سخن سردبیر

نظریه‌ها همیشه نقشی اساسی در پیشرفت علوم داشته‌اند، اما در علوم انسانی به‌خصوص در حوزه‌هایی مانند ادبیات، هنر، فلسفه، علوم اجتماعی و روان‌شناسی از نیمهٔ دوم قرن بیستم نظریه‌ها به شکوفایی رسیده و این علوم را به‌سمت پیچیدگی و عمق بیشتر پیش برده‌اند به‌طوری‌که امروزه پژوهش در این علوم کاملاً به چهارچوب‌های نظری متکی شده و روش‌های سنتی پژوهش کنار گذاشته شده‌اند. پس از انقلاب نظریه‌ها به محافل دانشگاهی و غیردانشگاهی ایران نیز وارد شدند و تحولی بنیادی در درک ما از این علوم و نیز در شیوهٔ پژوهش دربارهٔ آنها ایجاد کردند.

این تحول فقط ازطریق ترجمه ممکن بود و ازطریق ترجمه هم ممکن شد؛ یکی از راه‌های ورود نظریه‌ها به ایران نشریهٔ ارغنون بود که در دههٔ هفتاد نقش مهمی در معرفی فلسفه و اندیشهٔ مدرن ایفا کرد. من این نقش را به جهت اهمیتی که در انتقال علوم داشته با نقش نهضت ترجمه در عصر خلافت عباسی مقایسه کرده‌ام با این دو تفاوت که این انتقال در اینجا در سطح کوچک‌تری انجام شده و نیز در نهضت ترجمه، عمدهٔ کتاب‌ها از زبان پارسی میانه به عربی ترجمه شد ولی در اینجا کتاب‌ها و مقالات از زبان‌های اروپایی به زبان فارسی ترجمه شدند. از دل همین نشریه بود که نظریه‌ای مهم دربارهٔ ترجمه بیرون آمد. مُبدع این نظریه جنجال‌برانگیز آقای مراد فرهادپور یکی از اعضای سردبیری ارغنون بود. در این شماره این بخت را یافته‌ایم که با ایشان دربارهٔ این نظریه گفت‌وگو کنیم. در تبیین این نظریه و نیز در نقد آن کم مطلب گفته نشده، ولی آنچه این گفت‌وگو را متمایز می‌کند این است که در این گفت‌وگو نه از منظر سیاسی و فلسفی، بلکه از منظر مطالعات ترجمه به این نظریه نگاه کرده‌ایم. امتیاز دیگر این گفت‌وگو این است که کوشیده‌ایم اصل سخن را از حواشی فلسفی و سیاسی آن جدا کنیم و چهارچوب منطقی نظریه را برجسته سازیم به‌طوری‌که افراد فاقد پیشینهٔ فلسفی هم بتوانند آن را درک کنند.

آقای فرهادپور در دو جلسه با همدلی کامل در این گفت‌وگوی اسکایپی شرکت کردند و بعد نسخهٔ خلاصه‌شدهٔ گفت‌وگو را تأیید کردند. امیدوارم در شماره‌های آینده بتوانیم دربارهٔ

ارغنون بیشتر صحبت کنیم و حق مطلب را در مورد این مجلهٔ اثرگذار ادا کنیم.

در شمارهٔ قبل هرمنوتیک را به‌عنوان نظریه‌ای درحوزهٔ ترجمه معرفی کردم. در این شماره با تحلیل مثال‌هایی می‌کوشم نشان بدهم این نظریه در عمل چه فایده‌ای برای ترجمه و مترجمان دارد. علت اینکه به این نظریه علاقه‌مندم و آن را مفید می‌بینم این است که این نظریه معنی‌محور و خواننده‌محور است، حال‌آنکه بسیاری از مترجمان فرم‌گرا هستند و به فرم عبارت نویسنده بیش از معنی آن توجه می‌کنند و آن‌قدر بر وفاداری به نویسنده تأکید می‌کنند که خواننده تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد. البته مترجم نیازی نیست که حتماً به مبانی فلسفی هرمنوتیک باور داشته باشد؛ آنچه برای مترجم اهمیت دارد درک این نکته است که معنی با تفسیر به دست می‌آید و لذا مترجم خواه‌ناخواه در ساختن معنی نقش دارد.

مقالهٔ «دریافت کافکا در ایران» نوشتهٔ دکتر مرضیه ملکشاهی به موضوعی می‌پردازد که از نظر تاریخ ترجمه بسیار اهمیت دارد و آن این است که آن کافکایی که ما در ایران و ازطریق ترجمهٔ آثارش می‌شناسیم کدام کافکا است و چه مقدار به کافکای واقعی شباهت دارد و اساساً چرا آثارش را ترجمه کرده‌ایم. این‌گونه تحقیقات لازم است دربارهٔ دیگر اندیشمندان و نویسندگان غربی نیز صورت بگیرد چون می‌دانیم که مترجمان معمولاً به دلیل خاصی سراغ یک نویسنده یا یک کتاب خاص او می‌روند و کشف این دلایل گاه نوری بر تاریخ فرهنگی و سیاسی ما می‌اندازد. در این شماره همچنین سراغ دو تن از مترجمان زحمتکش کشور آقایان حسن افشار و احد علیقلیان هم رفته‌ایم و با آنها گفت‌وگو کرده‌ایم. حقیقتاً جز صفت «زحتمکش» کدام صفت می‌تواند عرق‌ریزان ذهنی مترجم در عرصهٔ دشوار ترجمه را به درستی توصیف کند؟ ما هرچه معرفت داریم مدیون ترجمه و مترجمان هستیم.

از این شماره دو بخش جدید هم به مجله اضافه کرده‌ایم: بخش اول «مقدمه‌های مترجمان» است که همکارم دکتر سمیه دل‌زنده‌روی پیشنهاد کردند و خودشان هم آن را ادامه خواهند داد. اهمیت این موضوع در این است که، همان‌طور که ایشان در مقدمه اشاره کرده‌اند، «بحث‌های نظری دربارهٔ ترجمه به‌ویژه قبل از انقلاب چندان رونق نداشت ولی خوشبختانه مترجمان گاه در مقدمهٔ ترجمه‌های خود به نکاتی اشاره کرده‌اند که هم نوری بر ترجمه‌هایشان می‌تاباند و هم دیدگاه نظری‌شان را بازتاب می‌دهد.» بخش دوم، که همکار عزیزم مرتضی سیدی‌نژاد تحت عنوان «حرف و حدیث» آن را تهیه می‌کند، گزارشی از وقایع خبرساز دنیای ترجمه و مترجمان آن‌گونه که در رسانه‌های اجتماعی بازتاب یافته به دست می‌دهد.

در پایان از همهٔ مترجمان، اساتید و علاقه‌مندان ترجمه دعوت می‌کنیم که با ارسال نظریات و مقالات ما را در ادامهٔ راه یاری کنند. ■